

۲۷۲ صفحه حوادث این روزنامه در سال ۹۷ شاهد خبرهای متنوعی از اتفاقات استان بود از اهدا اعضا بدن، عمل های جراحی نادر ابهام جنسی و... تا کمک های مردمی در پی منتشر شدن پرونده های مددجویان زندان از طریق این روزنامه ...



۷۲۰۰ کیلوگرم ماهی منجمد قاچاق در قشم نابود شد

رییس دامپزشکی قشم گفت: هفت هزار و ۲۰۰ کیلوگرم ماهی منجمد که در سال گذشته دراین شهرستان توقیف شده بود، با دستور مقام قضایی معدوم شد.به گزارش ایرنا، امین درا در جمع خبرنگاران افزود: این محموله در سال ۹۶ توسط دریابانی قشم از یک فروند لنج کشف شد که در بررسی های دامپزشکی قشم به دلیل حمل غیر بهداشتی و غیرمجاز غیر قابل مصرف انسانی تشخیص داده شد. وی ادامه داد: در سال جاری بیش از چهارتن انواع فرآورده های دیگر خام دامی توسط این اداره نابود شده است. رییس دامپزشکی قشم خاطرنشان کرد: این اداره در مسایل بهداشتی و مواد غذایی با حمایت دستگاه های قضایی شهرستان به صورت قاطع با متخلفین برخورد و امنیت سلامت مصرف کنندگان را تامین می کند.



گذری بر اخبار صفحه حوادث سال ۹۷

حادثه، عشق، دربند، فداکاری...

♦ صبح ساحل // اعظم رام:

چه زود سال هم به پایان رسید ... «امروز ۱۵ فروردین ماه سال ۱۳۹۷ صفحه ۵ شماره ۳۴۵۸ باز شد به امید اینکه اکثر خبرهای این صفحه در شماره های بعدی نشریه ، دستگیری خلافاکاران و آشوبگران باشد نه قتل و کشته های جاده ای». این مطلب، اولین یادداشتم در صفحه حوادث سال جاری بود و چه زود روزها و شبها و ماهها گذشت و من آخرین یادداشتم را در صفحه ۵ شماره ۳۷۳۰ می نویسم. به قول قدیمی ها تا چشم برهم زدیم سال هم تمام شد، سالی پر از فراز و نشیب های سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و... سالی پر از خاطرات تلخ و شیرین ... اما هر چه بود در حال پایان است ۳ روز دیگر دفتر ۳۴۵ برگ ۹۷ بسته می شود و دفتر ۳۴۵ برگه جدید و زیبایی گشوده خواهد شد به امید اینکه اتفاقات خوشی در این دفتر به ثبت برسد و خبرهای شیرین بیش از خبرهای ناگوار درون آن ثبت شود..

■ صفحه چهار

۲۷۲ صفحه حوادث این روزنامه در سال ۹۷ شاهد خبرهای متنوعی از اتفاقات استان بود از اهدا اعضا بدن ، عمل های جراحی نادر ابهام جنسی و... تا کمک های مردمی در پی منتشر شدن پرونده های مددجویان زندان از طریق این روزنامه ...

امسال سعی نمودیم خبرهای متنوع و بدون کلیشه ای را منتشر کنیم و بر اساس آمار بیننده های سایت صبح ساحل و همچنین تماس های خوانندگان ، تا حدودی توانستیم نظر سلیقه های مختلف را جذب نماییم. در این جا مروری داشته باشیم به گزیده ای از مطالب صفحات حوادث ...

■ مهرداد ناخواسته مرگ دختر بچه را رقم زد

هنوز در شوک روز حادثه است و برایش باور پذیر نیست که باعث مرگ دختر بچه ای شده باشد ،دختری که بر اثر استنشاق سم ناشی از سمپاشی طبقه بالا ساختمان، جانش را از دست داده است...این داستان مرد ۵۱ ساله ای به نام مهرداد که دارای شرکت سمپاشی بود و ۵ سال گذشته (تیرماه ۹۲) بعد از سمپاشی منزل آپارتمانی. با وجود رعایت اصول ایمنی ، اما باز سموم (دلتامترین) به طبقات بالا رفت و موجب مرگ دختر بچه ۵ ساله ای و مسمومیت اهالی ساختمان گردید . وی بعد از این ماجرا ، و شکایت پدر این دختر بچه، دادگاهی شد و به علت عدم توانایی در پرداخت دیه قتل غیر عمد ۱۱۵ میلیون تومانی ، زندانی شد.مهرداد در دادگاه این طور بیان می کند» مالک واحد مذکور با اینجانب تماس گرفت و درخواست سمپاشی واحد خود را داشت که بنده روز پنجشنبه ۱۲ ظهر با سم دلتامترین و آب و الکل منزل را سمپاشی کردم و کلیه منافذ را مسدود و ایزوله کردم و بعد از دو روز، شنبه ظهر پس ازبارزسی کامل و اطمینان از زدن موجود سم و واحد را تحویل مالک نمودم». وی ادامه می دهد:«روز یکشنبه آقای (مالک) به بنده زنگ زد و گفت دختر بچه همسایه طبقه پایین دچار حال تهوع و استفراغ شدید و راهی بیمارستان گردیده و تحت درمان است که به محض باخبر شدن از موضوع راهی بیمارستان شدم ولی متأسفانه دختر بچه فوت شده بود»

■ عشق کور، فرهاد را به زندان کشاند

فرهاد علیرغم مخالفت های خانواده با ازدواج خانمی که ۲۳ سال از وی بزرگ تر است، با مهریه ۶۰۰ سکه طلا، پای قواله ازدواج را امضاء کرد و این امضاء، ۷ سال بعد او راهی زندان کرد. او مدتی است که با کمک ستاد دیه هرمزگان از زندان آزادشده و مشغول کار و فعالیت است تا همراه بتواند قسط وام مهریه را پرداخت کند.

سال ۸۹ جوان عاشق ماجرای آشنایی را با خانمی که از همسرش طلاق گرفته است را به خانواده اش در میان گذاشت و از آن ها خواست که به خواستگاری اش بروند. خانواده که با شنیدن سن زن، دهانش از تعجب بازشده بود می گفتند که شماها باهم ۲۳ سال اختلاف دارید و وی دارای ۲ دختر بزرگ تر از تو است، تو هم شغلی ندارید و با کدام پول قصد چرخاندن زندگی را داری؟ در ضمن آسان پیدا کردن همسر در پارک، به آسانی هم از دست می رود ... و اما گوش فرهاد ۲۰ ساله از این حرف ها بدهکار نبود و پایش را در یک کفش کرده بود که اگر با سمیه ازدواج نکند خودش را می کشد ... خانواده علیرغم میل باطنی ویا اصرار جوان عاشق، حاضر شدند در جشن عقد آن ها باشند ولی بعد از مراسم ازدواج، به منظور قهر با او قطع رابطه کردند.

کم کم اختلاف های این زوج ریشه زد و فرهاد هم کم کم به حرفهای خانواده اش می رسید که او با سمیه فرسنگ ها

فاصله دارد ... تا آنکه زن درخواست طلاق داد و مهریه ۶۰۰ سکه ای را به اجرا گذاشت، فرهاد که توان پرداخت ۶ میلیارد و ۲۲۹ میلیون و ۷۸۰ هزار ریال را نداشت در ۱۷ دی ماه ۱۳۹۶ به زندان رفت. پرونده این مددجو به ستاد دیه استان هرمزگان ارجاع شد. مسئولان ستاد دیه شاکی را فراخواندند و او راضی کردند که با اخذ ۵۰۰ میلیون ریال، از شکایتش دست بردارد. سمیه با گذشت ۵ میلیارد و ۷۷۹ میلیون و ۷۸۰ هزار ریال، شکایتش را پس گرفت...داستان فرهاد، داستان خیلی از سوزه های ما بود که منتشر شد عده ای آزاد شدند و عده ای هنوز در زندان هستند ...

■ به قتل رسیدن زوج فرهنگی در بندرعباس

زوج فرهنگی بازنشسته در محله نایبند شمالی بندرعباس به قتل رسیدند. این خبر دردناک در ۲۱ تیرماه در روزنامه صبح ساحل به چاپ رسید که به گفته سرهنگ عبدالمجید کرمی رئیس پلیس آگاهی استان هرمزگان ، تیم تخصصی کارآگاهان دایره جنایی پلیس آگاهی در حال بررسی و تکمیل تحقیقات هستند و جزئیات موضوع پس از تکمیل تحقیقات اطلاع رسانی خواهد شد.البته شنیده ها حاکیست قاتل و یا قاتلان به نیت سرق، مرد به نام ابراهیم ذاکری دبیر بازنشسته شیمی را بر اثر ضربات چاقو به قتل رسانده و زن به نام نصیرزاده دبیر بازنشسته زیست شناسی را خفه کردند.

قاتل محیط بانان هرمزگانی به دار مجازات آویخته شد. اردیبهشت ماه نیز خبر اعدام قاتل دو محیط بان را بندرعباس منتشر کردیم که این قاتل ۲۹ ساله ، در سوم تیرماه دردگیری مسلحانه ، ماموران محیط بانی محیط زیست هرمزگان (محمد دهقانی و پرویز هرمزی) در ارتفاعات منطقه حفاظت شده گنو هرمزگان با شلیک گلوله به قتل رساند. وی که در محدوده ارتفاعات قلات بالا و روستای کنارو مخفی شده بود شناسایی و به همراه فردی دیگر دستگیر شد. این جوان در بلوار خلیج فارس (محله سنگ کنی) بندرعباس، اعدام شد.

پسر بچه ۴ ساله مینابی از دست آدم ربایان نجات یافت گروگان ۴ ساله مینابی با تلاش پلیس به آغوش خانواده برگشت. آفتاب بیست و دوم اردیبهشت ماه سال جاری غروب کرده و هوا تاریک شده بود. علی اکبر ۴ ساله با بهانه گیری توانست خانواده اش را راضی کند که به پارک کنار منزل برود و در آنجا مشغول بازی شود، هنوز دقایقی از رفتن پسر بچه به خارج از منزل نگذشته بود که دلشوره عجیبی سراغ زن جوان آمد به همین علت به سمت پارک سر کوچه رفت، هر چه به اطراف نگاهی انداخت و صدایش زد کودکش را ننید ، سراسیمه به کوچه ها اطراف دوید و به منازل همسایگان رفت تا شاید اثری از علی اکبر بیابد اما هیچ اثری از کودک نبود...

این خبری بود که در ۴ اردیبهشت ۱۳۹۷ منتشر شد. در ادامه می فهمیم که خانواده پس از نیافتن فرزندشان ، به سمت کلانتری رفتند. ماموران میناب در تحقیقات، یافتن این موضوع گروگانگیری است و پای مواد مخدر در میان است.گروگان گیرها که پسر بچه را در مخفیگاه خود در شهرستان میناب مخفی نموده بودند با تماس های مکرر و با تهدید درخواست مبلغ پول از خانواده گروگان را داشتند...مدتی گذشت و آدم ربایان زمانی که دریافتند پلیس از این موضوع اطلاع دارند و نمی توانند به هدفشان برسند میدان را خالی کردند و از محل متواری شدند. پلیس که مخفیگاه را شناسایی کرده بودند وارد محل شدند و علی اکبر را سالم و بدون هیچ خراشی در بدن، در کمتر از ۳ روز به خانواده برگرداندند...

■ کورس مرگ در پیست غیر استاندارد بندرعباس غروب است و جاده خاکی سمت باباغلام همانند روزهای تعطیل، در ترافیک موتورسیکلت های مجاز و غیر مجاز جوانان پرشور و هیجانی قرار دارد که منتظر یک روز تعطیل هستند تا در هر کجای شهر بندرعباس که قرار دارند خود را به این محل برسانند و آزادانه خود را با موتورسیکلت در این جاده که آن را پیست می نامند، رها کنند و جولان دهند . اما این جاده خاکی نالیم و غیر استاندارد با عرض حدود ۴ متر که شبیه یک پیست معمولی هم نیست ، جان موتورسوارانی را گرفته است که به عشق موتورسواری ، سالیان سال به همراه دوستانشان به جای سرعت در خیابان ها و کوچه های شهر ، به این محل آمدند و خاک این مسیر را خوردند ...بعداظهر جمعه گذشته یکم تیرماه ، تماشاگران زیادی در کنار جاده خاکی(پیست غیر استاندارد) جمع شده بودند و موتورسواران بدون پوشش لباس مناسب و کلاه ایمنی در جاده با سرعت می راندند، عده ای با فریاد آنها را تشویق می کردند عده ای دیگر با تلفن همراه، فیلم و عکس می گرفتند . ساعت ۱۰ بود که چهار جوان، سوار بر دو دستگاه موتورسیکلت سنگین ۱۳۰۰ و ۱۰۰۰ ، در دو مسیر روبرو با سرت راهی جاده شدند اما لحظاتی به

طول نیانجامید که صدای برخورد شدید موتورسیکلت ها، اطرافیان را سراسیمه به سمت خود کشاند و لحظاتی بعد تنها خون بود که جاده خاکی را رنگین کرد...

■ پانصد ساعت آرایشگری در مراکز درمان اعتیاد

قاضی دادگاه کیفری ۲ استان هرمزگان ، مرد جوانی که در زمان ممنوعه تبلیغات به نفع نامزد شورای اسلامی اقدام به تبلیغ به نفع نامزد مورد نظرمی نمود را به جای تحمل حبس به مجازات اجتماعی به آرایشگری در مراکز درمان اعتیاد بندرعباس محکوم کرد.

ماجرای این اتفاق بر می گردد به ۲۹ اردیبهشت ماه ۹۶ و برگزاری انتخابات دوازدهمین دوره ریاست جمهوری و اولین میاندورهای دهمین دوره مجلس شورای اسلامی. که متهم متولد ۷۲ ، در زمان عدم تبلیغ انتخابات به نفع نامزد مورد نظر ، در حوالی مدرسه ای در حدود شهرک پیامبر اعظم اقدام به تبلیغ کاندید مورد نظر می نمود که دستگیر شد. به گفته مجتبی قهرمانی رییس شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان بندرعباس و قاضی ویژه جرایم انتخاباتی ، نظر به اینکه در قانون انتخابات شوراها موضوع فوق جرم انگاری شده و مجازات آن تعیین نشده و در ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در چنین حالتی مجازات جایگزین حبس را به عنوان مجازات قانونی تعیین کرده است. با توجه اعلام موافقت و آمادگی متهم جهت انجام خدمات عمومی رایگان جایگزین حبس، به استناد مقررات فوق، نامبرده را به انجام ۵۰۰ ساعت امور خدماتی رایگان، شامل آرایشگری در مراکز درمان اعتیاد بندرعباس تحت نظر اداره بهزیستی شهرستان بندرعباس، جایگزین ۶ ماه حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت قبلی محکوم می گردد.

■ متجاوزان «ترنس» اعدام شدند

حکم اعدام ۳ متجاوز به عنف که زن جوانی را در شهرستان میناب ربوده و قربانی نیت شیطانی خود کرده



بودند در زندان میناب اجرا شد. سه جوانی که مهرماه ۲ سال گذشته زن ۱۷ ساله ای را در ساحل شهرستان میناب به زور ربوده و مورد آزار و اذیت قرار داده بودند ... آنها در بیست و نهم مهرماه سال ۱۳۹۵ است دختری را که در ساحل قدم می زد را با زور و تهدید ربودند و بدون التماسهای قربانی ویس از ضرب و شتم، او را در منزلی به طرز وحشیانه ای مورد آزار و اذیت قرار دادند. آنها دقایقی بعد دختر را از خودرو پیاده کردند و متواری شدند. پس از شکایت قربانی، (راننده و دو نفر سرنشین، شناسایی و در همان شب دستگیر شدند. پس از تکمیل روند تحقیقات و طی مراحل دادرسی ، حکم اعدام این متجاوزین در دادگاه کیفری یک استان هرمزگان صادر شد و با تأیید در شعبه اول دیوان عالی کشور، حکم به مرحله اجرا رسید.

■ امیر حسین ۲۲ سال متولد شد

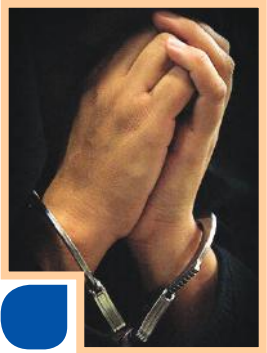
یکی از خبرهای پربیننده ، خبر عمل موفقیت آمیز ابهام جنسی در بندرعباس بود. پایان مردادماه سال جاری خبری منتشر شد مبنی بر یک عمل نادر ابهام جنسی در بندرعباس ، دختر ۲۲ ساله تغییر جنسیت یافت و اسمش دخیامیر حسین... پرونده دختر جوانی به دلیل رشد بی رویه مو در تن و اندام ها ، بر روی میز دکتر صلاح الدین دلشاد رئیس هیئت مدیره موسسه ی حمایت از کودکان با ناهنجاری های مادر زادی (محکم) قرار گرفت . پس از انجام آزمایشهای مختلف تکمیلی و بررسی کروموزوم های این بیمار مشخص شد که جنسیت این بیمار پسر هست و باید مورد عمل جراحی قرار بگیرد . دختر جوان که از استان همجوار برای درمان بیماری خود به بندرعباس آمده بود با شنیدن این خبر، خوشحال شد چرا که به علت این ناهنجاری مادرزادی در طی این چند سال مورد تمسخر دوستان و هم کلاسی هایش قرار گرفته و در مقطع دوم دبیرستان مجبور به ترک تحصیل شده است. خانواده این جوان که بعد از بلوغ وی متوجه تغییرات در روح و بدن او شده به علت وضعیت ضعیف مالی نتوانسته بودند به پزشک مراجعه کنند . تا آنکه با اطلاع از آغاز به کار موسسه (محکم) که به صورت رایگان، بیمار مورد جراحی قرار می گیرد به بندرعباس آمدند و این اتفاق مهم رخ داد. به گفته دکتر دلشاد بیمار به ظاهر دختری ۲۲ ساله است ولی به دلیل رشد مو در تن و اندامها

مجبور به ترک تحصیل شده بود که در معاینات انجام شده و آزمایش های تکمیلی و بررسی کروموزوم های این بیمار مشخص شد که جنسیت این بیمار پسر هست که به دلیل عدم تشخیص به صورت دختر بزرگ شده است. پس از تکمیل آزمایشات و تأیید جنسیت مذکر، این بیمار کاندید عمل جراحی تغییر جنسیت قرار گرفت.

■ راهایی از بروز جنسیت

دختر ۱۷ ساله ای مورد عمل جراحی نادر ابهام جنسیتی در مجتمع آموزشی و پرورشی درمانی پیامبر اعظم (ص) بندرعباس قرارگرفت و به جنسیت پسر تغییر یافت. خوشحال است که بعد از سالیان سال به هویت اصلی اش برگشته است اما در عین حال ترسی در دل دارد ترسی از واکنش جامعه به شخصیت تازه او، به واکنش دوستان و آشنایان و در گفتگو تأکید می کند که اسم واقعی اش را در گزارش قید نکنم. «نمی خواهم افرادی که تازه من را می بینند و یا آشنا می شوند بدانند که من تغییر جنسیت دادم، خودتان که می دانید، جامعه ما هنوز این موضوع را نمی پذیرد.»

دوران کودکی را بدون مشکل همانند همسالان دختر گذراند اما زمانی که پا به سن بلوغ رسید چهره و صدایش دیگر مانند دوستان خود نبود. صدایش، صدای مردانه و چهره اش عدم ظرافت دخترانه . مورد تمسخر همکلاسی ها و آشنایان قرار می گرفت و از این بابت آزار می دید جز گریه هیچ سلاحی نداشت ،احساس می کرد به جنس دیگر تعلق دارد و در کالبدی اشتباه به دنیا آمده است. تا آنکه در سال اول دبیرستان ، مدیر مدرسه متوجه این موضوع شد و کمکش کرد تا به پزشک و... مراجعه کند و در این راه ماجراهای برایش پیش آمد تا آنکه دو سال بعد با کمک مشاور مدرسه دبیرستان دخترانه، به یک خیر معرفی شد و سپس این فرد خیر، وی را با دکتر دلشاد مدیر موسسه حمایت از کودکان با ناهنجاریهایی



مادرزادی موسسه محکم در بندرعباس آشنا کرد که این آشنایی باعث تحولی در زندگی این نوجوان ۱۷ ساله شد که سلامتی اش را مدیون این موسسه می داند. دختر نوجوان در چهارشنبه ۳۰ آبانماه سال جاری پس از تأیید جنسیت مذکر ، با استرس فراوان وارد اتاق عمل بیمارستان شهید محمّدی شد در اتاقی که قرار است تا دقایقی دیگر به نوجوان پسری تبدیل شود و تا آخر عمر با بدن جنید زندگی کند . دکتر دلشاد به همراه کادر جراحی، عمل را شروع کرد و این عمل ۴ ساعت به طول انجامید.

■ نوش، به سلامتی مرگ

مشروبات الکلی، این نوشیدنی غیر مجاز و حرام، پای نوجوان ۱۵ ساله تا مرد ۶۰ ساله را به بیمارستان های استان هرمزگان باز نمود و ۱۶ نفر را راهی سینه قبرستان کرد... این خبر بود که در اوایل مهرماه منتشر شد . مهرماه جاری ماه خبر سازی در استان هرمزگان بود که اغلب سایتها و فضا های خبری به آن پرداختند و تحلیل کردند، خبر مسمومیت و مرگ بر اثر مصرف مشروبات الکلی دست ساز و تقلبی. این مشروبات الکلی توسط افرادی در آشپزخانه های زیرزمینی تولید می شد که در این ارتباط ۳ نفر نیز دستگیر شدند. این ۳ نفر مردی به همراه یک زن و شوهر جوان، متهم به ساخت و توزیع مشروبات الکلی تقلبی در بندرعباس هستند. فرد دیگری که می توان یکی از مهرهای اصلی تهیه و توزیع این مشروبات الکلی در این استان هرمزگان را دانست مرد جوانی است که مدتی قبل به همین علت با قرار وثیقه ۸۷۰ میلیون تومانی وارد زندان شد. این فرد از درون زندان ، تیمش را هدایت می کرد و حتی الکل ساخت مشروبات را از تهران تهیه می کرد و به دست مشتریانش می رساند. این زنچیره، زندگی خیلی ها را بهم ریخت و مرگ را رقم زد ...

گزارش تکمیلی در چند شماره به چاپ و مشخص شد مشروبات مسموم و مریکاب نه تنها دامن هرمزگان را گرفته بود بلکه در استانهای دیگر نیز جولان می داد . در یکی از شماره های روزنامه با تیتَر (جام هفت خط، دوباره جان گرفت) به موج دوم مسمومیت مشروبات الکلی در بندرعباس پرداخته شد. در این گزارش آمده است از (چهارم تا ۱۴مهر) ۲۶۸ نفر بر اثر مسمومیت الکلی در بیمارستان های استان بستری ، ۱۳۲ نفر دیالیز شدند و

۲۲ نفر جان خود را از دست دادند که متأسفانه از ساعت ۲۲ جمعه گذشته(۲۷ مهرماه) موج دوم مسمومیت های ناشی از مصرف مشروب الکلی دست ساز در بندرعباس آغاز شد و تا دیروز یکم آبانماه (تا شامگاه دیشب تا قبل از ارسال روزنامه به چاپخانه) ۴۴ نفر به مراکز درمانی مراجعه کردند که ۳۴ نفر از آنها در بیمارستان شهید محمّدی ۱۰ نفر در بیمارستان خلیج فارس بستری شدند . به گفته مدیر روابط عمومی و امور بین الملل دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان ، از این شمار یک نفر فوت شده، دو نفر بد حال است و ۱۹ تن نیز دیالیز شده اند... ■ معجزه زندگی دوباره با کبد و کلیه های «علیرضا»

چشمانش پر از اشک است، دستانش می لرزد ، نگاهی به برگه «هدا عضو» می اندازد ، لحظات تلخی است، تلخ از این جهت که نمی خواهد و نمی تواند باور کند پرونده زندگی فرزند دلیندش بسته شده است ، از پشت شیشه اتاق «آی، سی، یو» نگاهی به پسرش می اندازد ، قلبش به آرامی می تپد اما بی قراری خطوط صفحه نمایشگر نشان از نامساعد بودن حالش دارد، جوانی ۲۹ ساله روی تخت اتاق عمل دراز کشیده، چند شلنگ به صورتش وصل شده و ملحفه ای سبز رنگ روی بدنش را پوشانده است. نام علیرضا چرسی زاده به عنوان اولین اهدا کننده در هرمزگان رقم می خورد و برای نخستین بار در هرمزگان با حضور پزشک فلوشیپ پیوند از شیراز، عمل برداشت عضو جهت پیوند در مجتمع پیامبر اعظم (ص) بندرعباس از بیمار با تشخیص مرگ مغزی با موفقیت انجام می شود. کبد و کلیه های این جوان هرمزگانی جهت پیوند عضو به شیراز منتقل می گردد و جان سه بیمار (مرد ۴۱ ساله، زن ۳۳ ساله و ۴۴ ساله که در لیست پیوند عضو هستند از مرگ نجات می یابند.

■ همدین نفس زندگی بر کالبد بیماران نیازمند

کلیه ها و کبدش برای پیوند به بیماران نیازمند اهدا و نامش به عنوان سومین اهدا کننده امسال در هرمزگان ثبت شد.مسلم شهرپاری فر، ۳۰ ساله ،متولد ایرانشهر و ساکن بندرعباس ۳ روزی که در خانه ادبیش در آرامستان «باغو» بندرعباس آرام گرفته است. صبح چهاردهم آبانماه سالجاری مرد جوان برای رفتن به محل کار ،بعد از خداحافظی با فرزندانش پویا ۵ ساله و غسل ۳ ساله و همچنین همسرش به امید بازگشت، از منزل خارج شد . دومین روزی بود که در ساختمان در حال احداث مشغول به کارشده و برایش مهم بود که سر موقع در محل حاضر شود. نگاهی به عقربه های ساعت داشت اش کرد ساعت ۱۰ صبح است ،دستگاه پیکور را برداشت و مشغول کار شد اما لحظاتی بعد شاهدان با صحنه دردناکی روبرو شدند. این کارگر دچار برق گرفتگی شده بود، سریع به اورژانس ۱۱۵ اطلاع داده شد. تیم اورژانس پس از رسیدن به محل حادثه در خیابان فردوس ، اقدامات اولیه بر روی این فرد انجام و به بیمارستان خاتم الانبیا انتقال دادند ... مسلم به خاطر ضرب هوشی پایین در کما رفت و ۲۲ روز بعد اعلام شد که وی مرگ مغزی شده است...

■ کبد مهناز در کالبد بیمار، جان گرفت

خانواده مرحوم دهقانی در اقدامی خدابسنده کبد او را به بیمار نیازمند اهدا کردند. دقایقی هست که خبر ناگواری را شنیده اند خبر مرگ مغزی مادر، باور این خبر دردناک، برایشان چنان سخت است که نمی خواهند لحظه ای این موضوع را تصور کنند پزشک معالج می گوید که علیرغم تلاش کادر درمانی، این زن ۵۸ ساله پس از گذراندن دوره ای در کما، دچار مرگ مغزی شده است. مرد ۶۲ ساله که چشماش پر از اشک است پس از اعلام رضایت خود از اهدا اعضای بدن همسرش، رضایت فرزندانش را می خواهد، آنها که هنوز در شوک این اتفاق هستند نیز این موضوع را می پذیرند که ثواب اخروی به مادرشان برسد و بیماریا سلامتی اش را بدست بیاورند.... با توجه به بیماری فشار خون بیمار، فقط کبد جز لیست اهدا قرار می گیرد...

■ سوزه های خود را در میان بگذارید

بر اساس اندازه صفحه روزنامه ، توانستم خلاصه ای از تعداد کمی از سوزه ها را انتخاب کنم و انشالله در سال بعد حتما این صفحه با مطالب متنوع تر منتشر می شود و اگر شما خواننده گرامی سوزه خاصی داشتید که قابل منتشر شدن در روزنامه باشد به شماره تلفن ۳۲۲۲۶۷۵۱ داخلی ۱۱۰ (تحریریه) تماس بگیرید و یا با ایمیل com.Sobhesahel شماره تلگرام ۰۹۳۷۶۰۸۷۵۳۱ (صبح ساحل) در ارتباط باشید.

■ تا سال بعد...

چهارشنبه سوری در راه است بیایم این شب را به بهترین شب سال تبدیل کنیم نه به بدترین شب سال. امیدواریم که در شماره جدید روزنامه در سال ۹۸، آمار از اتفاقات چهارشنبه سوری درج نکنیم ، هر چند هرمزگان تا حالا استان امن ، بدون حادثه ای در این زمینه بوده است و انشالله در آینده خواهد بود...

به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقیست...